

باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه می‌بختیاری

نظورشویه‌ی زندگی در ارتفاعات

آلن زاگارل

ترجمه‌ی کوروش روستایی



پارسیان بختیاری

اردیبهشت ۱۳۸۷

فهرست مطالب

| | | |
|-------|---|----|
| | سخن ناشر | ۹ |
| | مقدمه‌ی مترجم | ۱۱ |
| | مقدمه‌ی نویسنده بر ترجمه‌ی فارسی | ۱۵ |
| | پیش‌گفتار | ۱۷ |
| | درآمد | ۱۹ |
| | فصل نخست: باستان‌شناسی بخش‌های کوهستانی منطقه‌ی بختیاری | ۲۱ |
| | ۱. الف. شمایی کلی از شرایط جغرافیایی و آب‌وهوایی جنوب‌غرب ایران | ۲۱ |
| | ۱. ب. کوههای بختیاری - نگاهی دقیق‌تر | ۲۴ |
| | الف. درآمد | ۲۴ |
| | ب. ویژگی‌های بوم‌شناختی منطقه | ۲۴ |
| | پ. راهها | ۲۵ |
| | ت. خودمختاری | ۲۵ |
| | ۱. پ. توصیف مناطق بررسی‌شده و نواحی پیرامونی | ۲۶ |
| | الف. منطقه‌ی خان‌میرزا | ۲۶ |
| | ب. دشت‌های امام قیس، گندمان و چغاخور | ۲۹ |
| | پ. لُردگان، بارز، شیوند، قلعه مدرسه، دهدز، هلوسعد، بلغار | ۳۰ |
| | ت. دشت شهرکرد | ۳۱ |
| | ۱. ت. مواد باستان‌شناختی | ۳۱ |
| | الف. پارینه‌سنگی | ۳۱ |
| | ب. فراپارینه‌سنگی، آغاز نوسنگی و نوسنگی بی‌سفال | ۳۲ |

| | |
|----|---|
| ۳۳ | پ. نوسنگی باسفال: قلعه رستم |
| ۳۶ | پ. ۱. چالدان در دره‌ی هلوئسعد |
| ۳۶ | پ. ۲. شهرکرد |
| ۳۸ | پ. ۳. تاریخ‌گذاری و مقایسه |
| ۳۹ | پ. ۴. مصنوعات سنگی دوره‌ی نوسنگی باسفال |
| ۴۰ | پ. ۵. نتیجه‌گیری |
| ۴۰ | ت. مس‌وسنگ قدیم |
| ۴۰ | ت. ۱. درآمد |
| ۴۱ | ت. ۲. مرحله‌ی فرهنگی اسکندری |
| ۴۳ | ث. مس‌وسنگ میانه |
| ۴۳ | ث. ۱. درآمد |
| ۴۳ | ث. ۲. مرحله‌ی فرهنگی چله‌گاه |
| ۴۵ | ث. ۳. مرحله‌ی فرهنگی افغان |
| ۴۵ | ث. ۴. شهرکرد |
| ۵۱ | ث. ۵. چُخ‌خور، گندمان و امام قیس |
| ۵۲ | ث. ۶. هلوئسعد و قلعه دولاب |
| ۵۲ | ث. ۷. نتیجه‌گیری |
| ۵۲ | ج. مس‌وسنگ جدید |
| ۵۲ | ج. ۱. درآمد |
| ۵۲ | ج. ۱. ۲. گروه سفالی شهرک |
| ۵۳ | ج. ۲. سفال نخودی منقوش شهرک |
| ۵۵ | ج. ۲. ۲. سفال نخودی شهرک |
| ۵۶ | ج. ۲. ۲. سفال معمولی |
| ۵۷ | ج. ۲. ۵. سفال‌های قرمز |
| ۵۷ | ج. ۱. ۳. گروه سفالی محوطه‌ی S17 |
| ۵۸ | ج. ۲. ۲. سفال نخودی خشن |
| ۵۹ | ج. ۲. ۳. سفال معمولی |
| ۶۰ | ج. ۳. ۴. سفال قرمز و سفال با پوشش گلی قرمز |
| ۶۰ | ج. ۳. ۵. گاه‌نگاری نسبی |
| ۶۱ | ج. ۱. ۴. خان‌میرزا، ریگ و لُردگان |
| ۶۱ | ج. ۲. ۴. گروه سفالی برجویی |
| ۶۱ | الف. سفال نخودی منقوش |
| ۶۲ | ب. سفال قرمز و سفال با پوشش قرمز |
| ۶۲ | ب. سفال نخودی |
| ۶۳ | ج. ۳. ۴. محوطه‌های دیگر |
| ۶۵ | ج. ۵. R1: گرد چله‌گاه |
| ۶۵ | ج. ۶. تاریخ‌گذاری و مقایسه |
| ۶۶ | ۱. ث. داده‌های استقرار |
| ۶۶ | الف. محیط‌زیست |
| ۶۶ | ب. فراپارینه‌سنگی، آغاز نوسنگی و نوسنگی بی‌سفال |
| ۶۹ | پ. نوسنگی باسفال |
| ۷۰ | ت. مس‌وسنگ قدیم |
| ۷۱ | ث. مس‌وسنگ میانه |
| ۷۴ | ج. مس‌وسنگ جدید |
| ۷۶ | ۱. ج. نتیجه‌گیری کلی |
| ۷۹ | فصل دوم: مناطق همجوار |
| ۷۹ | ۲. الف. درآمد |
| ۸۰ | ۲. ب. پشت‌کوه |
| ۸۰ | ب. ۱. درآمد |
| ۸۰ | ب. ۲. گورهای دوره‌ی مس‌وسنگ و اهمیت آنها |

| | |
|-----|--|
| ۸۴ | ب. ۳. دهلران |
| ۸۵ | ۲. پ. پیش کوه |
| ۸۵ | پ. ۱. درآمد |
| ۸۷ | ب. ۲. جغاپهن |
| ۸۸ | ب. ۳. باباجان و کنجی |
| ۸۸ | ب. ۴. هلیلان |
| ۸۹ | الف. مس و سنگ قدیم |
| ۸۹ | ب. مس و سنگ میانه |
| ۹۱ | ۲. ت. استفاده از غارها در زاگرس |
| ۹۳ | ۲. ث. آبیاری |
| ۹۵ | ۲. ج. مرور کلی |
| ۹۷ | فصل سوم: شواهد مکتوب |
| ۹۷ | ۳. الف. درآمد |
| ۹۷ | ۳. ب. گیلگمش، انکیدو و خومبب |
| ۹۸ | ۳. پ. دوموزی چوبان |
| ۱۰۱ | ۳. ت. آموزه‌هایی به شوروپک |
| ۱۰۱ | ۳. ث. نتیجه‌گیری |
| ۱۰۳ | فصل چهارم: سازمان‌بندی و یکپارچگی اجتماعی ساکنان امروزی مناطق کوهستانی |
| ۱۰۳ | ۴. الف. درآمد |
| ۱۰۴ | ۴. ب. تعاریف |
| ۱۰۴ | ۴. پ. موجودی دام‌ها |
| ۱۰۴ | پ. ۱. گوسفند |
| ۱۰۵ | پ. ۲. قاطر / الاغ |
| ۱۰۵ | پ. ۳. اسب |
| ۱۰۶ | پ. ۴. شتر |
| ۱۰۶ | پ. ۵. گاو |
| ۱۰۶ | پ. ۶. گاومیش |
| ۱۰۷ | ۴. ت. بزرگی گله‌ها |
| ۱۰۷ | ۴. ث. یکپارچگی اقتصادی |
| ۱۰۷ | ث. ۱. درآمد |
| ۱۰۸ | ث. ۲. کوچ‌نشینی کامل |
| ۱۰۹ | ث. ۳. نیمه کوچ‌نشینی و نیمه یکجانشینی |
| ۱۱۰ | ث. ۴. بخش‌های یکجانشین |
| ۱۱۱ | ث. ۵. قبایل وابسته |
| ۱۱۱ | ث. ۶. یکجانشینان |
| ۱۱۳ | ۴. ج. یکپارچگی فیزیکی |
| ۱۱۳ | ۴. چ. قدرت تحرک |
| ۱۱۶ | ۴. ح. کشاورز و روستا |
| ۱۱۷ | ۴. خ. شهر |

| | | |
|-----|-------|-------------------------|
| ۱۲۲ | | ۴. د. تجارت |
| ۱۲۳ | | ۴. ذ. درگیری |
| ۱۲۴ | | ۴. ر. نتیجه گیری |
| ۱۲۵ | | نتیجه گیری کلی |
| ۱۲۷ | | کتاب نامه |
| ۱۴۱ | | جدول های گاه شناسی نسبی |
| ۱۴۳ | | توصیف شکل ها |
| ۱۵۹ | | شکل ها |
| ۲۰۰ | | فهرست محوطه ها |
| ۲۰۳ | | تصویرها |

سخن ناشر

استان چهارمحال و بختیاری یکی از کم‌شناخته‌شده‌ترین مناطق فلات ایران از نظر باستان‌شناسی است. آنگونه که پیشینه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی در ایران نشان می‌دهد مناطقی همچون غرب و جنوب‌غرب کشور از اواخر سده‌ی نوزدهم میلادی به بعد مورد توجه و اکتشاف محققان غربی بوده است. در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ که اوج پژوهش‌های باستان‌شناختی ایران در پیش از انقلاب به شمار می‌رود، تنها پژوهشگری که فعالیت‌های خود را در منطقه‌ی کوهستانی بختیاری متمرکز کرد آلن زاگارل، نویسنده‌ی کتاب پیش‌روست. وی فعالیت‌های خود را در این منطقه ابتدا با استاد خود، هانس نیسن آلمانی، آغاز نمود و پس از آن به تنهایی ادامه داد. حاصل این پژوهش‌ها، علاوه بر پایان‌نامه‌ی دکترای وی، چندین مقاله بود که در نشریات گوناگون، از جمله گزارش‌های مجمع سالانه‌ی کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، به چاپ رسیده است.

سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری با توجه به اهمیت کتاب حاضر که چکیده‌ی چند فصل پژوهش نویسنده در منطقه‌ی بختیاری است اقدام به چاپ و انتشار این کتاب نمود با این امید که بخشی از خلاء اطلاعاتی درباره‌ی این استان برطرف و منبعی دست‌اول برای دانشجویان و پژوهشگران باستان‌شناس مهیا گردد.

اسفندیار حیدری پور

رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی
و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری

مقدمه‌ی مترجم

کتاب پیش‌رو جوهره‌ی توصیفی - تحلیلی چهار فصل پژوهش میدانی باستان‌شناختی آلن زاگارل در منطقه‌ی بختیاری در دهه‌ی ۱۹۷۰ است. وی در این پژوهش‌ها تمرکز اصلی خود را بر بررسی‌های باستان‌شناختی گذاشت ولی در دو محوطه‌ی قلعه‌رستم و قلعه‌گلی، هر دو در نزدیکی لردگان، گمانه‌زنی‌هایی با مقیاس کوچک نیز انجام داد. وی افزون بر انتشار گزارش‌های مقدماتی، پایان‌نامه‌ی دکترای خود را نیز بر اساس داده‌های این پژوهش‌های میدانی تدوین کرد.^۱ کتاب حاضر، همراه با گزارش‌های مقدماتی پیشین وی، تنها منابع منتشرشده درباره‌ی باستان‌شناسی این بخش از زاگرس به‌شمار می‌آیند. همان‌گونه که از عنوان پایان‌نامه‌ی دکترای وی و نیز عنوان این کتاب برمی‌آید علاقه‌ی پژوهشی زاگارل دوره‌های پیش‌ازتاریخ و آغاز تاریخی منطقه‌ی بختیاری با نگاه ویژه به نقش کوچ‌نشینان این منطقه در تحولات فرهنگی جنوب‌غرب ایران بوده است.

زاگارل از معدود پژوهشگرانی بود که تمرکز اصلی پژوهش‌های خود را بر باستان‌شناسی کوچ‌نشینی در جنوب‌غرب ایران نهاد. از دیگر پژوهشگرانی که به این موضوع به‌طور خاص پرداخته‌اند می‌توان به عباس علیزاده، پدر مورتسن، فرانک هل، لویی واندنبرگ و هنری رایت اشاره کرد. این شاخه از باستان‌شناسی از آن رو مهم است که پاسخ بسیاری از پرسش‌های باستان‌شناسانه‌ی ما به‌ویژه در زاگرس در آن نهفته است، زیرا همان‌گونه که پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد انتخاب این شیوه‌ی معیشتی از دیرباز یکی از بهترین انطباق‌های انسان با شرایط جغرافیایی زاگرس بوده است. متأسفانه این رویکرد در بین باستان‌شناسان ایرانی چندان رواج ندارد و این به‌رغم اینست که آنان بسیار بهتر از همگنان فرنگی خود می‌توانند داده‌های مرتبط با این موضوع را در میدان گردآوری نمایند، زیرا درباره‌ی فرهنگ و مردمان این سرزمین است. امیدوارم

۱. مشخصات پایان‌نامه‌ی دکترای زاگارل این است:

Zagarell, Allen. 1978. *The Role of Highland Pastoralism in the Development of Iranian Civilization (Proto- and Prehistoric Iran)*. Inauguraldissertation zur Erlangung der Würde eines Doktors der Philosophie des Fachbereichs 14 (Alturumswissenschaften) an der Freien Universität Berlin, Berlin. 305 p., 31 pls., 8 maps, 3 charts.

۱۲ باستان‌شناسی پیش‌از تاریخ منطقه‌ی بختیاری

این کتاب نیز همچون کتاب عباس علیزاده، منشأ نهادهای حکومتی در پیش‌از تاریخ فارس، برای آن دسته از باستان‌شناسان علاقه‌مند به نقش کوچ‌نشینان در برهم‌کنش‌های فرهنگی سودمند باشد.

درباره‌ی ترجمه‌ی کتاب پیش‌رو توضیح نکاتی ضروری است که در ادامه فهرست‌وار به آنها می‌پردازم:

- نخستین نکته در باره‌ی عنوان کتاب است. عنوان اصلی کتاب *The Prehistory of Northeast Bakhtiari* شمال شرقی کوه‌های بختیاری، ایران: ظهور شیوه‌ی زندگی در ارتفاعات. بخش نخست این عنوان به نظر من چندان گویا نیست زیرا در نگاه ایرانی وقتی صحبت از منطقه‌ی بختیاری می‌شود نخستین جایی که شنونده به یاد می‌آورد استان چهارمحال و بختیاری است که نام خود را از ایل بختیاری گرفته است. این درست است که منطقه‌ی بختیاری‌نشین بخش‌هایی از جنوب لرستان و شرق خوزستان را نیز شامل می‌شود ولی این نام بیشتر به کوهستان‌های مرتفع زاگرس، به‌ویژه نواحی اطراف رشته‌کوه زردکوه، اطلاق می‌شود. بنابراین چون این کتاب اساساً در مورد باستان‌شناسی پیش‌از تاریخ بخش‌های گوناگون منطقه‌ی بختیاری است و نه تنها بخش‌های شمال شرقی آن، عنوان آن را به فارسی چنین انتخاب کردیم. بدیهی است واژه‌ی «باستان‌شناسی» را، که در عنوان اصلی کتاب نیست ولی در خود واژه‌ی پیش‌از تاریخ مستتر است، نیز برای گویاتر شدن عنوان کتاب به قبل از «پیش‌از تاریخ» افزوده‌ایم.
- کسانی که متن اصلی کتاب را خوانده‌اند به این نکته پی برده‌اند که جملات کتاب، کوتاه و گاه بسیار خلاصه شده است. اگر در ترجمه‌ی کتاب به همان ترتیب عمل می‌شد در جاهایی متن شاید مبهم و دشوار به نظر می‌آمد، بنابراین گاه چند جمله را در هم ادغام کرده‌ام. متن انگلیسی کتاب دشواری‌های خاص خود را داشت؛ در جاهایی از واژه‌های مهجور و نامتداول در ادبیات باستان‌شناسی استفاده شده بود (به ادامه بنگرید) و در جاهایی نیز در به‌کاربردن واژه‌ها رویه‌ی یک‌دستی دیده نمی‌شد؛ مثلاً نویسنده در جاهایی برای بیان زمانی مس‌وسنگ میانه یا مس‌وسنگ جدید از واژه‌ی مرحله (phase) استفاده کرده و در جاهایی از واژه‌ی دوره (period)؛ یا در جایی برای نامیدن تالاب‌های سرزمین بختیاری از واژه‌ی دریاچه (lake) استفاده کرده و جاهایی از واژه‌ی مرداب (marsh) یا دریاچه - مرداب (lake-marsh)؛ در جایی برای نامیدن لُردگان یا خان‌میرزا از دشت (plain) استفاده کرده و جاهایی از دره (valley)؛ نمونه‌های این‌چنینی در کتاب زیاد است. در این موارد کوشیده‌ایم در برگرداندن آنها به فارسی شیوه‌ای یک‌دست اعمال کنیم.
- در چندین مورد نویسنده از واژه‌های مهجور و نامتداول در ادبیات باستان‌شناسی استفاده کرده که این امر باعث دشواری در امر ترجمه می‌شد؛ برخی از آنها را در پانوشتهایی توضیح داده‌ام. مثلاً در جایی (پانوست ص ۹۰) برای توصیف نقش‌مایه‌ای از اصطلاح "construction" motif یا "erector set" استفاده کرده که مقصود وی از آنها دانسته نیست؛ در این دو مورد به ترتیب برابر نهاده‌های نقش‌مایه‌ی «ساختمانی» و نقش‌مایه‌ی «مجموعه‌ی سازنده» را پیشنهاد کرده‌ام. هرچند می‌دانم که این واژه‌ها به‌خودی‌خود گویا نیست، ولی نویسنده نیز، همان‌گونه که آنها را در گیومه آورده، این اصطلاحات را ابداع کرده است.
- در مواردی برای روشن‌تر شدن برخی اصطلاحات یا اشارات مکمل، توضیحاتی در پانوست آورده‌ام که با علامت (م) از پانوشته‌های اصلی کتاب متمایز شده‌اند.
- دوست خوبم، عباس علیزاده، مثل همیشه در روشن‌تر شدن برخی از اصطلاحات پیچیده و درک بهتر مفاهیم باستان‌شناسی کوچ‌نشینان به من کمک کرد.

- آقای دکتر آذرنوش از سر لطف زحمت ترجمه‌ی چند جمله‌ی فرانسه در متن اصلی را پذیرفتند.
- آقای چگینی، دوست گرامی، در تصحیح و درک بهتر چندین واژه، به‌ویژه اصطلاحات مَهرشناسی، کمک کردند.
- آقای دکتر ارفعی در املا‌ی درست چند واژه‌ی متون کهن بین‌النهرینی در فصل سوم مرا یاری کردند.
- مهرداد ملکزاده، دوست عزیز و فرهیخته‌ام، با تجربه‌ی گرانبار خود در ویراستاری و آماده‌سازی کتاب، موارد متعددی را یادآور شد و نیز در بازنویسی جملاتی از فصل سوم، که برگردان متون کهن بین‌النهرینی است، به‌گونه‌ای که سبک و سیاقی کهن‌وش یابند، یاورم بود.
- فریدون بیگلری با دانش وسیع خود از دوران پارینه‌سنگی و همسر وی، سونیا شیدرنگ، چندین اصطلاح دوره‌ی سنگ را تصحیح کردند.
- دوست خوبم، کامیار عبدی، در تصحیح چند اصطلاح و پیشنهاد چند برابرنهاده کمکم کرد.
- دوست گرامی، توماس اشتولتر، چند اصطلاح آلمانی را به انگلیسی برگرداند.
- در یافتن تلفظ و املا‌ی درست برخی از نام‌جای‌ها، نام طوایف، و نام‌های دیگر دشواری‌هایی وجود داشت. در رفع این دشواری‌ها دوست خوبم علیرضا خسروزاده بسیار کمک کرد. همچنین، علی‌اصغر نوروزی، از دوستان گرامی در سازمان میراث فرهنگی شهرکرد، املا‌ی درست بسیاری از نام‌جای‌های محلی لُردگان و شهرکرد را یادآور شد. افزون بر این عزیزان، دوستان دیگری نیز هر یک املا‌ی درست برخی از نام‌جای‌ها یا واژه‌ها را متذکر شدند: احمد آزادی، شادی گنجی، عبدالحمید رضایی، جمال موسوی، محمد کرمی، آرمان شیشه‌گر، کریم علیزاده، بابک مرادی، و لوید ویکس.
- برخی از تصاویر کتاب دارای اشتباهاتی بود که در بازپردازش رایانه‌ای اصلاح شد.
- در اینجا لازم است از همکاری خانم ریحان‌پور، مسئول کتاب‌خانه‌ی مؤسسه‌ی ایران‌شناسی بریتانیا، در امانت دادن اصل کتاب برای اسکن تصویرها و شکل‌های آن تشکر کنم. شایان اشاره است که نه اصل و نه کُپی کتاب در هیچ‌یک از کتاب‌خانه‌های سازمان میراث فرهنگی، موزه‌ی ملی ایران، دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی باستان‌شناسی دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی باستان‌شناسی فرانسه در ایران، و مؤسسه‌ی باستان‌شناسی آلمان در ایران موجود نبود. این نکته را از آن‌رو در اینجا یادآور می‌شوم که به بخشی از دشواری‌های پژوهش در ایران، که همانا نبود یا دشواری دسترسی به منابع است، اشاره‌ای کرده باشم.
- و اما درباره‌ی ترجمه‌ی کتاب پیش‌رو گفتنی است که در حقیقت من هیچ قصدی برای ترجمه‌ی آن نداشتم. پیشنهاد ترجمه‌ی این کتاب در مهر ۱۳۸۶، زمانی که در حال بررسی شهرستان کوه‌رنگ بودم، از سوی آقای حیدری‌پور، رییس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری، به من داده شد. من از سال‌ها پیش نسخه‌ای کُپی از این کتاب را داشتیم و با آن آشنا بودم. در واقع اگر پژوهشگران ایرانی اکنون دست‌کم دسترسی آسانی به ترجمه‌ی این کتاب دارند به لطف ایشان میسر شده است. همچنین، خانم ریاحی، معاون سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری در تمام مراحل آماده‌سازی این کتاب همکاری صمیمانه‌ای داشتند و با حُسن‌نیت در تمام مراحل کار پشتیبان ما بودند.
- مهران غلامی، دوست خوبم و مدیرعامل مؤسسه‌ی فرهنگی گنجینه‌ی نقش جهان، با دلسوزی و دقت تمام، مدیریتِ مراحل اجرایی آماده‌سازی کتاب پیش‌رو را به‌خوبی به انجام رساند. همچنین، دوست عزیزم، وحید روزبهانی، از همان مؤسسه،

۱۴ باستان‌شناسی پیش از تاریخ منطقه‌ی بختیاری

با مهارت مثال‌زدنی خود در امور رایانه‌ای و صفحه‌آرایی تمام مراحل آماده‌سازی و فنی‌کتاب، و نیز اصلاحات تمام‌نشدنی مرا همواره با گشاده‌رویی انجام داد؛ صمیمانه از این دوستان سپاسگزاری می‌کنم.

- آلن زاگارل اکنون استاد بخش انسان‌شناسی دانشگاه میشیگان غربی (آمریکا) است. در تماسی از طریق پست الکترونیک با وی قرار شد مقدمه‌ای بر ترجمه‌ی فارسی کتاب خود بنویسد. گمان من این بود که وی در این مقدمه به تحولات فکری خود در زمینه‌ی باستان‌شناسی کوچ‌نشینی و ایرادات و اصلاحات احتمالی کتاب بپردازد، ولی همان‌گونه که می‌بینید نوشته‌ی وی حال‌وهوای دیگری دارد.
- در ترجمه‌ی کتاب پیش‌رو کوشیده‌ام از برابرنهاده‌هایی استفاده شود که کمترین ابهام معنایی یا مفهومی را داشته باشند، با وجود این، بهتر دانستم گزیده‌ای از واژه‌های خاص و برابرنهاده‌های پیشنهادی‌ام را در اینجا بیاورم تا خواننده از واژه‌ی متن اصلی کتاب نیز آگاه باشد.

| Outcrop | برون‌زد | Archaeological context | بستر باستان‌شناختی |
|-----------------------|------------------------|--------------------------|--------------------|
| Peasant-owned village | روستای خرده‌مالک | Backed blade | تیغه‌ی کول‌دار |
| Phase | مرحله - مرحله‌ی فرهنگی | Beaker | ساغر |
| Point | تیزه | Borer | سوراخ‌کننده |
| Reaming tool | ابزار سوراخ‌کننده | Burin | اسکنه |
| Refuse | واژده | Carination | زاویه در بدنه |
| Segmented | بخش‌شده | Club rim | لبه‌ی آویزان |
| Slop site | محوطه‌ی کوهپایه‌ای | Continuum | پیوستار، طیف |
| Soft ware | سفال پوک | Deposit | نهبشته |
| Steep scraper | خراشنده‌ی شیب‌دار | Divergent | واگرا |
| String cut base | کف نخ‌بر | Entity | موجودیت |
| Sub-phase | زیرمرحله | Gabled seal | مهر خربشته‌ای |
| Terrace agriculture | کشاورزی پله‌ای | Gully | آب‌کند |
| Thumb-nail scraper | خراشنده‌ی ناخن‌شکل | In situ | برجا - برجای اولیه |
| Transhumance | رمة‌گردانی | Knobbed rim | لبه‌ی زائده‌دار |
| Truncated blade | تیغه‌ی قطع‌شده | Low tray | سینی پخ |
| Typical | گونه‌نما | Micro-environment/ niche | کنام بوم‌شناختی |
| Vat | تغار | Microlith | ریزابزار |
| Working hypothesis | فرضیه‌ی کاربند | Notched blade | تیغه‌ی دندان‌دار |

- در پایان از همکاری و کمک تمام دوستانی که در بالا نام بردم صمیمانه سپاسگزارم. همه‌ی این عزیزان در هر چه بالوده‌تر شدن ترجمه‌ی حاضر نقش مهمی داشتند؛ بدون تردید، هرگونه ابهام و ایراد در انتقال مفاهیم کتاب تنها بر عهده‌ی من است.

کورش روستایی

۲۹ اسفند ۱۳۸۶